

پاک‌زیستی در دوران مجرد

اصغر هادی *

چکیده

دوران مجردی، بخش جدایی‌ناپذیر زندگی هر جوانی است که بیشتر با ازدواج پایان می‌یابد و وارد مرحله‌ی جدیدی می‌گردد. پاک‌زیستی مهم‌ترین وظیفه‌ی اخلاقی در دوران مجرد است و نقشی اساسی در سیر معنوی یک جوان به سوی خدا دارد. تبیین پاک‌زیستی و چیستی و چرایی و ویژگی‌های اخلاقی آن از دیدگاه فرهنگ دینی هدف مقاله حاضر است. از دیدگاه دینی، پاک‌زیستی با بار معنایی ویژه، صفات اخلاقی بسیاری را به همراه دارد و از سوی دیگر رذائل اخلاقی زیادی را بر نمی‌تابد. اهمیت پاک‌زیستی تا آن جاست که بدون آن حرکت در مسیر کمال و سعادت انسانی امکان‌پذیر نیست. تبیین ویژگی‌های اخلاقی پاک‌زیستی، معلوم می‌سازد بسیاری از روابط جنسی و عاطفی میان دختران و پسران، که در جامعه فعلی ما وجود دارد، با چالش مواجه است.

این مقاله در سه بخش، مفهوم‌شناسی پاک‌زیستی، ارزشمندی معنوی و اخلاقی پاک‌زیستی و ویژگی‌های اخلاقی پاک‌زیستی، به تبیین مسئله می‌پردازد.

* - دانش‌آموخته سطح چهارم و استادیار گروه پژوهشی اخلاق مرکز مطالعات اسلامی وابسته به پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی دفتر تبلیغات اسلامی.



واژه‌های کلیدی

پاک‌زیستی، عفت، عفاف، استعفاف، تجرد، اخلاق مجردی، اخلاق کاربردی.

مقدمه

زندگی هر انسانی، از زوایای مختلف، به بخش‌های چندی تقسیم می‌گردد. زندگی انسانی از یک نگاه، به دوران کودکی، نوجوانی، جوانی، میان‌سالی و سالمندی تقسیم می‌شود. هر بخش از زندگی، شرایط و مقتضیات ویژه خود را می‌طلبد و بر همان اساس هم وظایف اخلاقی خاص آن تعریف می‌شود. از زوایای دیگری نیز می‌توان زندگی انسان‌ها را دسته‌بندی کرد؛ از آن جمله است دسته‌بندی آن به دو دوران تجرد و تأهل. تجرد، بخش جدایی‌ناپذیر زندگی هر انسانی است که در مسیر حیات، شکل تأهل به خود می‌گیرد و ممکن است باز به دوران تجرد باز گردد. هر بخش از تجرد و تأهل شرایط و مقتضیات خود را داراست که بر اساس آن، چگونگی اخلاقی آن تعریف می‌گردد. از مهم‌ترین وظایف اخلاقی دوران تجرد، پاک‌زیستی است که در این پژوهش به آن پرداخته می‌شود.

طرح مسئله

در مقدمه یادآور شدیم که یکی از بخش‌های جدایی‌ناپذیر زندگی هر انسانی، دوران تجرد است که چگونگی اخلاقی خود را می‌طلبد. مهم‌ترین ویژگی اخلاقی دوران تجرد، پاک‌زیستی است که از دیدگاه دینی، نقش انکارناپذیری در زندگی هر انسان، به ویژه جوانان، ایفا می‌کند.

پاک‌زیستی در چگونگی خود، بسیاری از فضائل اخلاقی را در خود جای می‌دهد و از سوی دیگر بسیاری از رذائل اخلاقی را برنمی‌تابد؛ رذائل اخلاقی که بیش‌تر جوانان امروز جامعه ما به نوعی به آن آلوده‌اند. پژوهش حاضر در تبیین چگونگی اخلاقی پاک‌زیستی، فضائل و رذائل و آسیب‌های آن را بیان می‌کند.

پرسش تحقیق این است: «ویژگی‌های اخلاقی پاک‌زیستی، در دوران تجرد، چیست؟» این پرسش، خود دو پرسش مقدماتی در بردارد: «مفهوم‌شناسی پاک‌زیستی چیست؟» و «ارزشمندی معنوی و اخلاقی پاک‌زیستی تا چه اندازه است؟».

مخاطب نخست مقاله به عنوان یک مقاله پژوهشی، متخصصان و پژوهشگران دانش اخلاق هستند و صاحب‌نظرانی که دغدغه مسائل اخلاقی و فرهنگی جوانان را دارند؛ با این واسطه مخاطبان هدف مقاله، جوانانی هستند که دوران تجرد خود را می‌گذرانند. از آن‌جا که پاک‌زیستی نقش بی‌مانندی در آینده اخلاقی و معنوی آنان دارد، اهمیت موضوع و چرایی پرداختن به آن هویدا می‌شود.

در آیات قرآن و روایات و نیز در کتب اخلاقی به شیوه پراکنده گویی مطالب فراوانی درباره پاک‌زیستی یافت می‌شود. نیز در مباحث خانواده در قالب کتاب و مقاله، به تبیین پاک‌زیستی (به طور ویژه حجاب) پرداخته شده است. تمایز این پژوهش، در پرداختن به مسئله به شیوه اخلاق کاربردی و جمع‌آوری فضائل و رذائل اخلاقی و آسیب‌ها، در تبیین چگونگی اخلاقی پاک‌زیستی است.

برای پاسخ به پرسش مقاله و دو پرسش تبعی و مقدماتی آن، مطالب در سه بخش عرضه می‌گردد:

الف) مفهوم‌شناسی پاک‌زیستی؛

ب) ارزشمندی معنوی و اخلاقی پاک‌زیستی؛

ج) ویژگی‌های اخلاقی پاک‌زیستی.

مفهوم‌شناسی پاک‌زیستی

۱. معنای لغوی و کاربردهای پاک‌زیستی

«پاک‌زیستی» مرکب از دو واژه «پاک» و «زیستی» است. «پاک»



صفتی است به معنای بی‌آلایش، بی‌غش، پاکیزه، صاف، نقیض چرک و چرکین و نجس و به معنای عفیف و پرهیزکار و درستکار. و پاکی (مصدری) به معنای عفت است. (عمید، ۱۳۸۴)^۱

مقصود ما از «پاک‌زیستی» در عنوان مقاله «خویشتن‌داری جنسی» است. از معانی یاد شده برای واژه پاک در فارسی، «عفیف» و «عفت»، در زبان عربی از جهت مفهومی به آن نزدیک است؛ زیرا، عفیف و عفت و سایر هم‌خانواده‌های آن دو، در زبان عربی معنای مورد نظر ما از پاک و پاکی را بیان می‌کند. از این رو، به مفهوم‌شناسی عفت در زبان عربی می‌پردازیم و معنای مورد نظر را از میان کاربردهای گوناگون آن باز می‌شناسیم.

از دیدگاه فرهنگ‌نویسان عرب، واژه عفه و عفاف دو مصدرند از «عَفَّ» به معنای بازداشتن خود از زشتی یا از آنچه سزاوار نیست، (احمدبن فارس، ۱۴۰۴: ۳) یا به معنای بازداشتن خود از حرام و آنچه برای او حلال نیست. (جوهری، ۱۴۰۷: ۱۴۰۵)

سخن فرهنگ‌نویسان عرب در باره عفت، بازداشتن از هر زشتی و آنچه سزاوار نیست و بازداشتن از هر حرامی را در بردارد. این فراگیری در مفهوم است، ولی از جهت مصداق، مصادیقی که از این مفهوم در قرآن کریم به کار رفته است عبارت است از:

الف) عفاف و بی‌نیازی از مردم؛^۲

۱- ذیل واژه پاک.

۲- (لِقُرَّاءِ الَّذِينَ أَحْضَرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَاسْتَطِيعُونَ ضَرْبًا فِي الْأَرْضِ يَحْسِبُهُمُ الْجَاهِلُ أَغْنِيَاءَ مِنَ التَّعَفُّفِ تَعْرِفُهُمْ بِسِيمَاهُمْ لَآ يَسْأَلُونَ النَّاسَ إِلْحَافًا وَمَا تُتَّقُوا مِنْ خَيْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ)، (انفاق شما، مخصوصا باید) برای نیازمندی باشد که در راه خدا، در تنگنا قرار گرفته‌اند؛ (و توجه به آیین خدا، آنها را از وطنهای خویش آواره ساخته؛ و شرکت در میدان جهاد، به آنها اجازه نمی‌دهد تا برای تأمین هزینه زندگی، دست به کسب و تجارتی بزنند؛ نمی‌توانند مسافرتی کنند (و سرمایه‌ای به دست آورند)؛ و از شدت خویشتن‌داری، افراد ناآگاه آنها را بی‌نیاز می‌پندارند؛ اما آنها را از چهره‌هایشان می‌شناسی؛ و هرگز با اصرار چیزی از مردم نمی‌خواهند. (این است مشخصات آنها!) و هر چیز خوبی در راه خدا اتفاق کنید، خداوند از آن آگاه است. (بقره/۲۷۳).

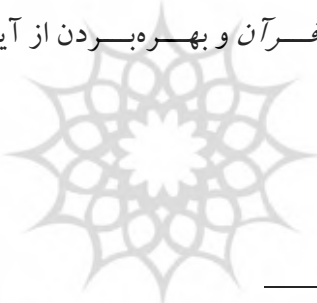
ب) عفاف و سرپرستی یتیمان؛^۱

ج) عفاف در خویشنداری جنسی با دو کاربرد ازدواج و پوشش.^۲

در این پژوهش از معانی یاد شده، معنای سوم (عفاف در خویشنداری جنسی) مقصود است و پاک‌زیستی در عنوان مقاله نیز به همین معناست. سایر کاربردهای عفت در قرآن و روایات از موضوع مقاله حاضر بیرون است.

یادآور می‌شود پاک‌زیستی افزون بر خویشنداری از اعمال منافی عفت مانند زنا، همجنس‌گرایی و خودارضایی، دوری از هرگونه بی‌بندوباری جنسی، بی‌حجابی، خودآرایی و رابطه‌های عاطفی با جنس مخالف را نیز در برمی‌گیرد.

برای تبیین پاک‌زیستی به معنای سوم (عفاف در خویشنداری جنسی) در قرآن و بهره‌بردن از آیات وحی به



۱- (وَأَتْلُوا الْيَتَامَىٰ حَتَّىٰ إِذَا بَلَغُوا النُّكَاحَ فَإِنْ آنَسْتُمْ مِنْهُمْ رُشْدًا فَادْفَعُوا إِلَيْهِمْ أَمْوَالَهُمْ وَلَا تَأْكُلُوهَا إِسْرَافًا وَبِدَارًا أَنْ يَكْبَرُوا وَمَنْ كَانَ غَنِيًّا فَلْيَسْتَعْفِفْ وَمَنْ كَانَ فَقِيرًا فَلْيَأْكُلْ بِالْمَعْرُوفِ فَإِذَا دَفَعْتُمْ إِلَيْهِمْ أَمْوَالَهُمْ فَأَشْهَدُوا عَلَيْهِمْ وَكَفَىٰ بِاللَّهِ حَسِيبًا) و یتیمان را چون به حد بلوغ برسند، بازمایند! اگر در آنها رشد (کافی) یافتید، اموالشان را به آنها بدهید! و پیش از آن که بزرگ شوند، اموالشان را از روی اسراف نخورید! هر کس که بی‌نیاز است، (از برداشت حق‌الزحمه) خودداری کند؛ و آن کس که نیازمند است، به طور شایسته (و مطابق زحمتی که می‌کشد)، از آن بخورد. و هنگامی که اموالشان را به آنها باز می‌گردانید، شاهد بگیرید! اگر چه خداوند برای محاسبه کافی است. (نساء/۶).

۲- (وَلْيَسْتَعْفِفِ الَّذِينَ لَا يَجِدُونَ نِكَاحًا حَتَّىٰ يُغْنِيَهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ ...) ، و کسانی که امکانی برای ازدواج نمی‌یابند، باید پاکدامنی پیشه کنند تا خداوند از فضل خود آنان را بی‌نیاز گرداند ... (نور/۳۳)؛ (وَالْقَوَاعِدُ مِنَ النِّسَاءِ اللَّاتِي لَا يَرْجُونَ نِكَاحًا فَلَيْسَ عَلَيْهِنَّ جُنَاحٌ أَنْ يَضَعْنَ ثِيَابَهُنَّ غَيْرَ مُتَبَرِّجَاتٍ بِزِينَةٍ وَأَنْ يَسْتَغْفِفْنَ خَيْرٌ لَّهُنَّ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ)، و زنان از کارافتاده‌ای که امید به ازدواج ندارند، گناهی بر آنان نیست که لباس‌های (رویین) خود را بر زمین بگذارند، بشرط این که در برابر مردم خودآرایی نکنند؛ و اگر خود را بپوشانند برای آنان بهتر است؛ و خداوند شنوا و داناست. (نور/۶۰).

شیوه معناسانسانه، می توان به کمک معنای اساسی،^۱ از واژه های مترادف^۲ و متضاد نسبی^۳ پاک زیستی بهره برد.

واژه های «طیب»، «حفظ»، «حصن»، «حجب»، «حیا»، «طهارت» و مشتقات آنها، از واژه های مترادف نسبی پاک زیستی (= عفاف به معنای خویشتن داری جنسی)، در قرآن هستند.

و واژه هایی چون «تبرج»، «فحشا»، «دعا» [درخواست کار زشت]، «شهوة»، «زنا»، «بغی»، «رفث»، «محيض»، «طمث»، «مس» و مشتقاتشان از متضادهای نسبی پاک زیستی به معنای یادشده، در قرآن اند. (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۷: ۴۲۳)

۲. معنای اصطلاحی پاک زیستی

برای آن که از پاک زیستی تصویر بهتری ارایه و محل بحث معین شود، لازم است معنای اصطلاحی پاک زیستی (= عفت) بیان گردد. از دیدگاه دانشمندان علم اخلاق انسان چهار قوه دارد: عاقله، وهمیه (عامله)، شهویه و غضبیه؛ که هر قوه دارای یک حد افراط است و یک حد تفریط و یک حد وسط. حد وسط بیانگر فضیلت در آن قوه است و افراط و تفریط بیانگر رذیلت در آن قوه.

-
- ۱- درباره معنای اساسی: ن.ک: ایزوتسو، توشی هیکو، *خدا و انسان در قرآن*، مترجم: آرام، احمد، صص ۱۳-۱۵؛ هادی، اصغر، *معناشناسی عبودیت در قرآن*، پایان نامه دفاع شده سال ۱۳۹۱، صص ۴۲ و ۴۳.
- ۲- مترادف نسبی با مترادف اصطلاحی تفاوت دارد. دایره مترادف نسبی وسیع تر است. و بسیاری از واژه هایی که از دیدگاه لغت و فقه اللغه مترادف اصطلاحی نیستند، مترادف نسبی اند. در این باره نک: هادی، اصغر، *معناشناسی عبودیت در قرآن*، پایان نامه دفاع شده سال ۱۳۹۱، صص ۴۵ تا ۴۷.
- ۳- مقصود از واژه ها و عبارات های متضاد نسبی، تضاد صد در صدی و همه جانبه و از همه جهات آنها نیست، بلکه تضاد میان آنها، شامل تضاد فی الجمله، یعنی تضاد از برخی جهات و جوانب نیز می گردد، پس اگر دو معنی تنها در برخی از مصادیق هم قابل جمع نباشند، در تضاد نسبی داخل می گردند. در این باره نک: هادی، اصغر، *معناشناسی عبودیت در قرآن*، پایان نامه دفاع شده سال ۱۳۹۱، صص ۴۷ و ۴۸.



مقصود از قوه شهویه، تنها شهوت جنسی نیست و شهوت خوردن و مقام و قدرت و ... را شامل می‌شود.

در افراطِ قوه شهویه رذیلت «شَرَه»^۱ قرار دارد؛ که عبارت است از غرق شدن در لذات جسمیه بدون ملاحظه حُسن آن در شریعت مقدسه یا به حکم عقل؛ صفتی که افراط در قوه شهویه است و مذموم. و در تفریطِ قوه شهویه رذیلت «خمود» قرار دارد و آن میراندن قوه شهویه است به قدری که آنچه که برای حفظ بدن یا بقای نسل ضرور است، ترک کند و این نیز مذموم است. «عفت» میان این دو قرار دارد و حد وسط دو رذیلت است؛ فضیلتی که از تهذیب قوه شهویه حاصل می‌شود.

سایر قوانین دارای حد افراط و تفریطی است که رذیلت آن قوه محسوب می‌شود و حد وسط، فضیلت آن قوه است.^۲ پرداختن به همه اقسام آن از مجال مقاله حاضر بیرون است.

با این توضیح آشکار شد که عفت در معنای اصطلاحی، به عفت جنسی اختصاص ندارد و سایر شهوات مانند عفت در شهوت خوردن و قدرت و ... را نیز در برمی‌گیرد. از این رو، معنای مراد از پاک‌زیستی در عنوان مقاله (خویشتر داری جنسی) بخشی از عفت به معنای اصطلاحی است و نسبت میان آن دو عموم و خصوص مطلق است.

۱- «شَرَه» در لغت به معنای حریص شدن، آزمندشدن، میل فراوان به چیزی داشتن است. (عمید، حسن، فرهنگ فارسی عمید، ذیل واژه شره).

۲- نراقی، ملا احمد، معراج السعادة، صص ۲۸ و ۳۲ و ۳۳. گفتنی است، تبیین دانشمندان اخلاق از قوای چهارگانه (عقله، وهمیه (عامله)، شهویه و غضبیه)، و چهار فضیلت آن، یعنی حکمت، عدالت، عفت و شجاعت، متفاوت است. برخی به سه قوه ناطقه، شهویه و غضبیه اشاره کرده‌اند، که فضیلت حکمت، عفت و شجاعت، به ترتیب از تهذیب این سه قوه است و عدالت از اجتماع فضایل سه قوه و هماهنگی تام میان آنها حاصل می‌گردد. در این باره نک: احمدپور، احمد و دیگران، کتابشناخت اخلاق اسلامی، ص ۳۴ و ۳۵.

ارزشمندی معنوی و اخلاقی پاک‌زیستی

ارزشمندی معنوی و اخلاقی پاک‌زیستی را در ارایهٔ تصویر زیبای قرآن از یوسف صدیق - علی نبینا و آله و علیه السلام - در هنگامهٔ مبارزهٔ آشکار میان شهوت و پاکی، می‌توان مشاهده کرد؛ الگویی بی‌مانند برای دوری از فحشا و بدی و وصول به مقام دست‌نیافتنی مخلصان.^۱

در قرآن با الفاظ و واژه‌های گوناگونی مانند زکات، تزکیه، طیب و تطهر، بر اتصاف به پاکی و خویشتن‌داری جنسی تأکید شده است.

در قرآن و روایات به مواردی اشاره شده که گویای ارزشمندی و اهمیت پاک‌زیستی است و به جوانان مجرد معتقد (مانند دیگر انسان‌های مؤمن)، در پاک‌زیستی، انگیزه می‌بخشد. این موارد عبارت است از:

۱. فرمان خدا و خواست او

فرمان خداوند در قرآن، به پاک‌زیستی و استعفاف و دوری از فحشاست؛^۲ فرمان خداوندی مهربان، دانا، حکیم و عالم به اسرار پیچیده انسان‌ها، فرمانی که سعادت انسان در گرو اطاعت‌پذیری آن است و شقاوت در پی مخالفت آن. فرمان خداوند برخواستهٔ او از ما و رضایت‌مندی‌اش دلالت دارد.

فرمانبری خدا و انجام خواستهٔ او، توفیق بزرگی است که کمال انسانی و قرب به باری تعالی را به دنبال دارد. و خوبان عالم و

۱- (وَلَقَدْ هَمَّتْ بِهٖ وَهَمَّ بِهَا لَوْلَا اَنْ رَّاۤی بُرْهَانَ رَبِّهٖ كَذٰلِكَ لِنَصْرِفَ عَنْهٗ السُّوْءَ وَالْفَحْشَآءَ اِنَّهٗ مِنْ عِبَادِنَا الْمُخْلَصِيْنَ)؛ «آن زن قصد او کرد؛ و او نیز - اگر برهان پروردگار را نمی‌دید - قصد وی می‌نمود! اینچنین کردیم تا بدی و فحشا را از او دور سازیم؛ چراکه او از بندگان مخلص ما بود!» (یوسف/۲۴).

۲- (وَلْيَسْتَعْفِفِ الَّذِيْنَ لَمْ يَجِدُوْا نِكَاحًا حَتّٰی يُغْنِيَهُمُ اللّٰهُ مِنْ فَضْلِهٖ ...)؛ «و کسانی که امکانی برای ازدواج نمی‌یابند، باید پاکدامنی پیشه کنند تا خداوند از فضل خود آنان را بی‌نیاز گرداند...» (نور/۳۳)؛ (اِنَّ اللّٰهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْاِحْسَانِ وَاِتْيَآءِ ذِي الْقُرْبٰى وَيَنْهٰى عَنِ الْفَحْشَآءِ وَالْمُنْكَرِ وَالْبَغْيِ يَعِظْكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُوْنَ)، «خداوند به عدل و احسان و بخشش به نزدیکان فرمان می‌دهد؛ و از فحشا و منکر و ستم، نهی می‌کند؛ خداوند به شما اندرز می‌دهد، شاید متذکر شوید!» (نحل/۹۰).

برگزیدگان به این ویژگی آراسته‌اند. برای برگزیدگان همین که پاک‌زیستی فرمان خدا و خواست اوست،^۱ به آنها برای آراسته شدن به این صفت، انگیزه کافی به دست می‌دهد.

۲. عامل رستگاری و رسیدن به بهشت

قرآن پاک‌زیستی را از عوامل رستگاری دانسته است. کسانی که برای حفظ و خویشتن‌داری جنسی خود، تلاش می‌کنند و جز از راه مشروع (همسر شرعی)، اقدام به اشباع غریزه جنسی نمی‌کنند، در مسیر رستگاری قدم نهاده‌اند و از وارثان بهشتند. از سوی دیگر، کسانی که از غیر این راه (همسر شرعی) اقدام به اشباع غریزه نمایند از متجاوزان و تعدی‌کنندگان شمرده شده‌اند.^۲

۳. بهتر بودن

در کلام وحی به زنانی که امید به ازدواج ندارند، اجازه می‌دهد که حجاب بگیرند، به شرط این که در برابر مردم خود آرایی نکنند؛ با این

۱- (... بَلْ عِبَادٌ مُّكْرَمُونَ، لَا يَسْبِقُونَهُ بِالْقَوْلِ وَهُمْ بِأَمْرِ يَعْمَلُونَ)، «... آنها [= فرشتگان] بندگان شایسته اویند، هرگز در سخن بر او پیشی نمی‌گیرند؛ و پیوسته به فرمان او عمل می‌کنند. (انبیاء/ ۲۶ و ۲۷).
و در زیارت جامعه کبیره از امام جواد ۷: «السَّلَامُ عَلَى الدَّعَاةِ إِلَى اللَّهِ - إِلَى قَوْلِهِ: - وَ الْمَظْهَرِينَ لِأَمْرِ اللَّهِ وَ نَهِيهِ، وَ عِبَادَةِ الْمَكْرَمِينَ الَّذِينَ لَا يَسْبِقُونَهُ بِالْقَوْلِ وَ هُمْ بِأَمْرِ يَعْمَلُونَ»، به این نکته اشاره دارد که ائمه: نیز داری صفت مذکور در آیات یاد شده‌اند. (در این باره نک: قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، ج ۸، ص ۴۰۴).

۲- (قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ؛ ... وَالَّذِينَ هُمْ لِأَفْوَاجِهِمْ حَافِظُونَ؛ إِلَّا عَلَى أَزْوَاجِهِمْ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ فَإِنَّهُمْ غَيْرُ مَلُومِينَ؛ فَمَنْ ابْتَغَى وَرَاءَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْعَادُونَ ... أُولَئِكَ هُمُ الْوَارِثُونَ؛ الَّذِينَ يَرِثُونَ الْفِرْدَوْسَ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ)؛ «مؤمنان رستگار شدند؛ ... و آنها که دامان خود را (از آلوده شدن به بی‌عفتی) حفظ می‌کنند؛ تنها آمیزش جنسی با همسران و کنیزانشان دارند، که در بهره‌گیری از آنان ملامت نمی‌شوند؛ و کسانی که غیر از این طریق را طلب کنند، تجاوزگرند ... (آری)، آنها وارثانند؛ (وارثانی) که بهشت برین را ارث می‌برند و جاودانه در آن خواهند ماند». (مؤمنون/ ۵۱-۷ و ۱۰ و ۱۱).



وصف، آیه، حجاب و عفت را برای آنان بهتر می‌داند.^۱ مفهوم آیه این است که زنانی که امید به ازدواج دارند، عفت و پوشش برای آنان لازم است و خیریت (= بهتر بودن) عفت برای آنان آشکارتر است.^۲ بهتر بودن (= خیریت) عفت، هم در دنیا است هم در آخرت. به بیان دیگر، پاک‌زیستی خیر دنیا و آخرت، هر دو، را به دنبال دارد. در برابر آن، در ناپاکی، خیری نیست.

۴. امنیت و آرامش

پاک‌زیستی برای فرد و جامعه امنیت و آرامش روانی ایجاد می‌کند. پاک بودن فرد، مرزی برای او ایجاد می‌کند که در چارچوب پسندیده‌ی شرع و عرف جامعه حرکت کند و نیازهای جنسی خود را برطرف سازد. از این رو، دلیلی ندارد تا آرامش او با چالش مواجه گردد. نوع رفتار و پوشش او اعلانی است که وی در مسیر درست گام می‌نهد و از بی‌بندوباری بیزار است. دیگران نیز از مشاهده رفتار او احساس آرامش می‌کنند.

آیه حجاب که بیانگر رفتار پاک‌زیستانه در امر پوشش است، فایده این نوع رفتار را آن می‌داند که رعایت کنندگان آن، به صفت پاکی شناخته می‌شوند و با پوشش خود به دیگران مرز پاکی خود را اعلان می‌دارند.^۳

۱- (وَالْقَوَاعِدُ مِنَ النِّسَاءِ اللَّاتِي لَمَّا يَرْجُونَ نِكَاحًا فَلَيْسَ عَلَيْهِنَّ جُنَاحٌ أَنْ يَضَعْنَ نِيَابَهُنَّ غَيْرَ مُتَبَرِّجَاتٍ بِزِينَةٍ وَأَنْ يَسْتَعْفِفْنَ خَيْرٌ لَّهُنَّ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ)؛ «و زنان از کار افتاده‌ای که امید به ازدواج ندارند، گناهی بر آنان نیست که لباس‌های (رویین) خود را بر زمین بگذارند، به شرط این‌که در برابر مردم خود آرایی نکنند؛ و اگر خود را بپوشانند برای آنان بهتر است؛ و خداوند شنوا و داناست. (نور/۶۰)

۲- مؤید این برداشت از مفهوم، آیات و روایات دیگر است، مانند آیات و روایاتی که به طور مطلق به حجاب امر می‌کنند.

۳- (يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لَأَزْوَاجِكُمْ وَبَنَاتِكُمْ وَنِسَاءَ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَى أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا)؛ «ای پیامبر! به همسران و دختران و زنان مؤمنان بگو: «جلاباب‌ها [= روسری‌های بلند] خود را بر خویش فروافکنند، این کار برای این که شناخته شوند و مورد آزار قرار نگیرند بهتر است؛ (و اگر

۵. آموزش و پاداش بزرگ

از ثمرات پاک‌زیستی وعده‌ خداوند به آمرزش و پاداش بزرگ برای مردان و زنان پاک‌زیستی است که با تجميع صفات والای دیگر مانند اسلام، ایمان، فرمان‌بردار بودن، راست گو بودن، شکیبا بودن، خاشع بودن، روزه‌دار بودن و یاد کردن بسیار خداوند، مشمول فضل بزرگ پروردگارند.^۱

از موارد یادشده، ارزشمندی معنوی پاک‌زیستی آشکار می‌گردد. ارزشمندی اخلاقی پاک‌زیستی نیز از آن‌جا معلوم می‌گردد که پاک‌زیستی بخشی از عفت است که از فضائل چهارگانه و ام الفضائل دانش اخلاق است.^۲ ارزشمندی دانش اخلاق از آن‌جا است که موضوع دانش اخلاق، نفس ناطقه انسانی و غایت آن رسیدن به کمال نفس ناطقه و رساندن آن به افق‌های والای انسانی است.^۳

تاکنون خطا و کوتاهی از آنها سر زده توبه کنند) خداوند همواره آمرزنده رحیم است». (احزاب/۵۹). دربارهٔ این برداشت نک: طباطبایی، سید محمدحسین، *المیزان فی تفسیر القرآن*، ج ۱۶، ص ۳۴۰، و به عنوان یک احتمال از آیه نک: طبرسی، فضل بن حسن، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، ج ۸، ص ۵۸۱.

۱- (إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْقَائِلَاتِ وَالصَّادِقِينَ وَالصَّادِقَاتِ وَالصَّابِرِينَ وَالصَّابِرَاتِ وَالْخَاشِعِينَ وَالْخَاشِعَاتِ وَالْمُتَصَدِّقِينَ وَالْمُتَصَدِّقَاتِ وَالصَّائِمِينَ وَالصَّائِمَاتِ وَالْحَافِظِينَ فُرُوجَهُمْ وَالْحَافِظَاتِ وَالذَّاكِرِينَ اللَّهَ كَثِيرًا وَالذَّاكِرَاتِ أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا)؛ «به یقین، مردان مسلمان و زنان مسلمان، مردان با ایمان و زنان با ایمان، مردان مطیع فرمان خدا و زنان مطیع فرمان خدا، مردان راستگو و زنان راستگو، مردان صابر و شکیبا و زنان صابر و شکیبا، مردان با خشوع و زنان با خشوع، مردان انفاق کننده و زنان انفاق کننده، مردان روزه‌دار و زنان روزه‌دار، مردان پاکدامن و زنان پاکدامن و مردانی که بسیار به یاد خدا هستند و زنانی که بسیار یاد خدا می‌کنند، خداوند برای همه آنان مغفرت و پاداش عظیمی فراهم ساخته است» (احزاب/۳۵).

۲- در این باره نک: همین مقاله، شماره ۲۰۱. معنای اصطلاحی پاک‌زیستی.

۳- درباره موضوع و غایت دانش اخلاق نک: ابن مسکویه، احمد بن محمد، *تهذیب الاخلاق*، ترجمه و توضیح: حلبی، علی اصغر، صص ۸۹ تا ۹۲؛ نراقی، ملا محمد مهدی، *جامع السعادات*، ج ۱، صص ۴۹ تا ۵۱.



ویژگی های اخلاقی پاک‌زیستی

پس از بیان معنای مقصود از پاک‌زیستی و ارزشمندی و اهمیت آن، به توصیف ویژگی های اخلاقی پاک‌زیستی در دوران مجرد می‌پردازیم. جوان مجرد چگونه باید باشد و چه فضائل اخلاقی را دارا باشد و از چه رذائل اخلاقی دوری گزیند، تا پاک‌زیست شمرده شود. از این رو، ویژگی های اخلاقی پاک‌زیستی در دو قسمت (فضائل اخلاقی پاک‌زیستی و رذائل اخلاقی پاک‌زیستی) به شیوه اخلاق کاربردی^۱ بیان می‌گردد.

الف) فضائل اخلاقی پاک‌زیستی

۱. حیا

«حیا» به عنوان یک اصل پیشگیرانه در اخلاق، به ویژه اخلاق جنسی، مطرح است.

حیا در لغت، «تغییر و انکسار (اثرپذیری) درونی»، یا «انقباض (گرفتگی) نفس» است. حیا در لغت «عامل بازدارنده» است. شاید این سه محور، بیانگر جنبه های مختلف حیا باشند. به نظر می‌رسد محورهای اول و دوم به ویژگی های روانی حیا پرداخته‌اند و محور سوم، کارکرد حیا را - که خودنگه‌داری باشد - بیان کرده است. (پسندیده، ۱۳۸۳: ۱۶)

اما حیا در جمع‌بندی از مصطلح روایات و علمای اخلاق، عبارت از آن است که انسان از انجام کارهای زشت دوری می‌کند، از آن جهت که ناظر محترمی آن را نظارت می‌کند؛ آن ناظر محترم مردم باشند یا فرشتگان یا خداوند؛ او برای حفظ آبرو و ارزش خود نزد ناظر از اقدام به معصیت دوری می‌کند. در حقیقت،

۱- گفتنی است از آن جا که شیوه مقاله اخلاق کاربردی است برخی از آموزه های فقهی با نگاه اخلاقی درضمن فضایل یا رذایل اخلاقی جای می‌گیرد. همچنین برخی از راهکارها و یا عوامل در کنار فضایل و رذایل بیان می‌گردد، و این شیوه در اخلاق کاربردی معمول است.

بودن شخص در معرض دیگران او را از انجام کارهای ناپسند باز می‌دارد؛ به ویژه آن که خود را در محضر خدا بداند. بنا براین، آنچه حیا را از دیگر صفات جدا می‌کند، توجه به این واقعیت است که انسان، در دید خداوند است. (همان: ۱۷-۳۰)

حیا سبب می‌گردد که جوان مجرد از این که در میان مردم به بی‌بندوبار و آلوده شناخته شود و بالاتر از آن در نزد خداوند - که ناظر اعمال اوست - بی‌آبرو شود، خود را نگه دارد. این صفت با تأمل در سرانجام بی‌حیایی، نزد خداوند و مردم حاصل می‌گردد. از سوی دیگر، در روایات سرانجام نیکویی برای حیا بیان شده است. (دیلمی و آذربایجانی، ۱۳۸۹: ۱۴۹ و ۱۵۰)

قرآن، به برخورد موسی ⁷ با دختران شعیب پیامبر و راه رفتن آمیخته به حیای آنان اشاره کرده است. (قصص/ ۲۵)

۲. غیرت

غیرت یعنی تلاش برای پاسداری از چیزی که حفظ آن لازم است. این حالت از نتایج قوت و عظمت روح و شهامت است. امام صادق ⁷ فرموده است:

«خدای تبارک و تعالی غیرتمند است و هر غیرتمندی را دوست می‌دارد. از غیرتمندی اوست که زشتکاری‌ها را از پیدا و نهان، حرام فرموده است.» (کلینی، ۱۳۶۳: ۵۳۵)

امام امیرمؤمنان ⁷ نیز فرمود: ارزش مرد به اندازه همت او ... و پاک‌دامنی او به اندازه غیرت اوست.^۱ (دیلمی و آذربایجانی، ۱۳۸۹: ۱۳۶ و ۱۳۷)

غیرت اقسامی دارد، (نراقی، ۱۳۶۲: ۱۶۳-۱۷۰) و آنچه در این جا

۱- نهج البلاغه، قصار الحکم، حکمت ۴۷.

مورد نظر است غیرت بر ناموس است؛ یعنی ناموس خود را به شدت از آسیب بلهوسان محفوظ دارد. جوان مجرد غیور، مادر و خواهر خود را از آسیب بلهوسان و نگاه بد آنان حفظ می‌کند و خود را از نگاه بی‌عفتی نسبت به دیگران ننگه می‌دارد؛ زیرا در غیور معنا ندارد که دیگران نباید به ناموس وی نظری داشته باشند ولی او حق دارد به ناموس دیگران تعرض کند؛ چرا که با انجام این عمل دیگران را برای نظر سوء به ناموس خود تشویق می‌کند.

جوان مجرد هم‌چنان که نسبت به مادر و خواهر و دیگر بستگان غیرتمند است، از این که به ناموس دیگران نگاه ناپاک کند یا متعرض آنان گردد، غیرت می‌ورزد.

۳. حجاب

حجاب از ضروریات دین است (طباطبائی حکیم، ۱۳۷۴: ۲۳۹ و ۲۴۰) و انکار آن از روی علم، به کفر می‌انجامد. (طباطبائی یزدی، ۱۳۷۰: ۵۴) التزام نداشتن عملی به حجاب - بدون آن که آن را حلال بدانند - فسق و گناه است.^۱ اصل حجاب مشترک میان مرد و زن است؛ هر چند در اندازه و کیفیت تفاوت دارد. این تفاوت به دلیل ویژگی‌های جنسیتی دو جنس مخالف است. از این رو، تأکید بیشتری بر حجاب زنان شده است؛ چنان که تأکید بیشتری بر حیای زنان شده است.^۲

حجاب در ایجاد امنیت و آرامش جامعه به ویژه استحکام خانواده، نقش انکارناپذیری دارد و به آحاد جامعه شخصیت و مصونیت می‌بخشد. (شریفی، ۱۳۹۰: ۱۸۸)

۱- درباره فسق بودن حجاب از دیدگاه مراجع فعلی به پایگاه‌های آنان مراجعه شود.

۲- عن الصادق 7 أنه قال: «الحیاء علی عشرة أجزاء، تسعة فی النساء وواحدة فی الرجال...» حیا بر ده قسمت است، نه قسمت در زنان و یک قسمت در مردان ... (صدوق، محمد بن علی بن بابویه، الخصال، ص ۴۳۹).

حجاب در زنان نشانه‌ای است که به دیگران اعلان می‌دارد که صاحب آن دارای محدودیت جنسی و به دور از بی‌بندوباری است.^۱

۴. ازدواج به‌هنگام

اسلام برای آن که جوانان از انحرافات جنسی محفوظ بمانند، به آنان سفارش کرده به‌موقع و زودهنگام ازدواج کنند. پاک‌زیستی جوان، با ازدواج ضمانت پیدا می‌کند و تداوم می‌یابد.

از دیدگاه دینی، آن کس که ازدواج کند نصف دین خود را حفظ کرده است.^۲ ازدواج سنت و فضیلت^۳ و کمال دین^۴ است؛ حتی اگر نیاز جنسی هم نداشته است.

از ثمرات ازدواج، حفظ انسان از گناه است و در صورتی که نتواند خود را از گناهان جنسی حفظ کند، ازدواج واجب است.

در پایان بیان فضائل اخلاقی پاک‌زیستی، این نکته گفتنی است که چهار فضیلت یاد شده (حیا، غیرت، حجاب و ازدواج به‌هنگام) از صفات ویژه‌ی غریزه جنسی و پاک‌زیستی است؛ اما صفات و فضائل عمومی مانند ایمان، تقوا، صبر و ... نیز از فضائل اخلاقی پاک‌زیستی به نحو عموم است که اختصاص به پاک‌زیستی ندارد و در این جا به آنها پرداخته نمی‌شود.

۱- به شماره ۴، ۲. امنیت و آرامش، مراجعه شود.

۲- عن أبي عبد الله 7 قال: قال رسول الله 9: «من تزوج أحرز نصف دينه وفي حديث آخر فليتيق الله في النصف الآخر أو الباقي». (کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ج ۵، ص ۳۲۸).

۳- روی عبد الله بن الحکم عن أبي جعفر 7 قال: قال رسول الله 9: «ما بنى بناء في الإسلام أحب إلى الله تعالى من التزويج»، در اسلام هیچ بنایی محبوب‌تر از ازدواج نیست. (شیخ صدوق، محمد بن علی بن بابویه، من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۳۸۳)؛ و قال 9: «النکاح سنتی فمن رغب عن سنتی فلیس منی»، ازدواج سنت من است هر کس از آن سرباز زند از من نیست. (مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ج ۱۰۰، ص ۲۲۰).

۴- وعن علی 7 أنه قال: «لم یکن أحد من أصحاب رسول الله 9 (یتزوج) إلا قال رسول الله 9: کمل دینه». (نوری طبرسی، میرزا حسین، مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۱۵۰).

ب) ردائل اخلاقی پاک‌زیستی

پیش از این یادآور شدیم که بخش سوم مقاله به توصیف ویژگی‌های اخلاقی پاک‌زیستی در دوران مجرد می‌پردازد. در قسمت نخست این بخش، فضائل اخلاقی پاک‌زیستی را بیان کردیم. در ادامه، به بیان ردائل و آسیب‌های اخلاقی پاک‌زیستی به شیوه اخلاق کاربردی می‌پردازیم:

۱. نگاه آلوده

از ردائل اخلاقی پاک‌زیستی، نگاه آلوده (همراه با شهوت و ریه) به نامحرم‌ان جنس مخالف^۱ است. موضوع نگاه در مردان تأکید بیشتری دارد، چنان‌که حجاب در زنان از تأکید بیشتری برخوردار است؛ هر چند در سخن خداوند یگانه در آیات وحی، مردان و زنان مؤمن مخاطب قرار گرفته و به فرو گرفتن دیدگان، امر شده‌اند.^۲

نگاه، تیری از تیرهای مسموم ابلیس است^۳ که زمینه آلوده شدن به گناه‌های بزرگ‌تر و ارتباط‌های ناسالم جنسی را فراهم می‌سازد. در روایتی دیگر نگاه، شهوت را در دل می‌کارد و همین برای دچار فتنه شدن نگاه‌کننده، کافی است.^۴

شوشگاه علمدارانانی و مطالعات فرهنگی

۱- نگاه آلوده به جنس موافق خویشان و غیرخویشان، مانند نگاه زن به زن و مرد به مرد، در ناحیه شرمگاه جایز نیست و در غیر شرمگاه نیز اگر به قصد ریه باشد، جایز نیست. و نگاه به محرم‌ان جنس مخالف - به جز زن و

شوهر - نیز اگر به قصد ریه باشد، جایز نیست. در این باره به کتب فقهی و رساله‌های عملیه مراجعه شود.

۲- (قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّونَ مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذَلِكَ أَزْكَى لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا يَصْنَعُونَ وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ...); «به مؤمنان بگو چشم‌های خود را (از نگاه به نامحرم‌ان) فروگیرند و عفاف خود را حفظ کنند، این برای آنان پاکیزه‌تر است، خداوند از آنچه انجام می‌دهید آگاه است؛ و به زنان با ایمان بگو چشم‌های خود را (از نگاه هوس‌آلود) فروگیرند...» (نور/۳۰ و ۳۱).

۳- عن أبي عبد الله 7 ... يقول: «النظرُ سهمٌ من سهام إبليس مسموم، وكم من نظرة أورثت حسرةً طويلة». (کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ج ۵، ص ۵۵۹).

۴- عن الصادق 7: «إياكم والنظرة فأنها تزرع في القلب الشهوة وكفى بها لصاحبها فتنة». (حرانی، ابن شعبه، تحف العقول، ص ۳۰۵).

روایات بر این نکته تأکید دارند که کنترل نگاه، فایده‌های معنوی زیادی دارد؛ از جمله از رسول خدا ۹ نقل شده است که چشمان خود را ببندید تا عجایب ببینید.^۱ در روایت دیگر پیامبر ۹ فرمود: نگاه [به نامحرم] تیر زهر آلودی از تیرهای ابلیس است و هر کس آن را از ترس خدا ترک کند، خداوند چنان ایمانی به او عطا کند که شیرینی اش را در دل خویش احساس کند.^۲

نگاه کردن به تصاویر شهوت‌انگیز و نیز فیلم‌های این‌چنینی نیز جایز نیست؛ همین‌طور است وب‌گردی‌های سکس. خلاصه آن‌که هرگونه دیدن تصویر و تماشای فیلم‌های شهوت‌انگیز و نیز دیدن تصاویر اینترنتی شهوت‌انگیز و سکس، از رذائل اخلاقی پاک‌زیستی است.^۳

هرزه‌نگاری یا pornography نیز در این راستا قرار دارد و با اخلاق پاک‌زیستی جمع ناشدنی است.^۴

۲. خلوت زن و مرد نامحرم

از آسیب‌ها و رذائل اخلاقی پاک‌زیستی، اجتماع مرد و زن نامحرم در محل خلوتی است که کسی در آنجا نباشد؛ در حالی که دیگری هم نتواند وارد شود؛ در این صورت باید از آنجا بیرون بروند.

۱- عن الصادق 7: عن النبی 9: «عَضُوا أَبْصَارَكُمْ تَرَوْنَ الْعَجَائِبَ». (منسوب به امام صادق 7، مصباح الشریعة، ص 9).

۲- عن النبی 9: «الْأَنْظَرُ سَهْمٌ مَسْمُومٌ مِنْ سِهَامِ إِبْلِيسَ فَمَنْ تَرَكَهَا خَوْفًا مِنَ اللَّهِ أَعْطَاهُ اللَّهُ إِيْمَانًا يَجِدُ خَلَاوَتَهُ فِي قَلْبِهِ». (شعیری، محمد بن محمد، جامع الأخبار، ص ۱۴۵).

۳- فحوای ضمنی سخنان دانشمندان اخلاق در تبیین قوه شهویه در کتب اخلاقی و نیز تصریح فقهای معاصر، مطالب یاد شده را تأیید می‌کند.

۴- پورنو عبارت است از: کتاب، فیلم یا هر چیزی که برای ایجاد هیجان و تحریک جنسی، افراد را به شکل آزاردهنده و نامطلوب در اعمال جنسی، توصیف و تصویر کند. درباره هرزه‌نگاری نک: مارک لاسر، «هرزه‌نگاری در اینترنت»، ماهنامه سیاحت غرب، سال ۱۳۸۲، شماره ۹، صص ۲۴ تا ۳۴.



از راه‌های پیشگیری از انحراف این است که مؤمن با نامحرم در جای خلوت اجتماع نکند؛ چراکه دور از چشم مردم، زمینه لغزش و انحراف، زیاد است. امیرمؤمنان علی ^۷ فرمود: هیچ مردی با زنی [نامحرم] خلوت نکند، هیچ مردی با زنی خلوت نکند، جز آن که سومی آن دو شیطان است.^۱ و نیز پیامبر ^۹ فرمود: آن که به خدا و روز جزا ایمان دارد نباید در جایی درنگ کند که زنی که با او محرم نیست، صدای نفس او را بشنود.^۲

۳. رابطه دختر و پسر (دوستی دختر و پسر)

از رذائل اخلاقی پاک‌زیستی رابطه پسر و دختر است که بدون هیچ وجه محرمیتی انجام گیرد. رابطه اگر به ارتباط کاری محدود شود، مانند ارتباط دو هم‌کلاسی یا دو همکار، با رعایت موازین شرعی و اخلاقی و بدون آن که به علاقه و رابطه‌های عاطفی کشیده شود، مانعی ندارد؛ هر چند لغزش‌ها و انحراف‌های اخلاقی بسیاری از جوانان از همین ارتباط‌های ساده آغاز می‌گردد. (از این رو، باید بسیار مواظب بود و از وساوس شیطانی و حیل‌های نفس، به خدای بزرگ پناه برد).

ارتباط‌های عاطفی پسر و دختر و فراتر از آن ارتباط‌های جنسی آن دو، به هر انگیزه‌ای که باشد، ممنوع است و عملی است که با پاک‌زیستی جمع‌ناشدنی است. برخی از جوانان مجرد به بهانه شناخت بیشتر برای ازدواج، به برقراری رابطه با جنس مخالف می‌پردازند، در

۱- عن علی امیر المؤمنین ^۷: «لَا يَخْلُوْا بِامْرَأَةِ رَجُلٍ، فَمَا مِنْ رَجُلٍ خَلَا بِامْرَأَةِ الْاِذَا كَانَ الشَّيْطَانُ ثَالِثَهُمَا». (نوری طبرسی، میرزا حسین، مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۲۶۵).

۲- عن موسی بن جعفر ^۷ عن آبائه: «عَنِ النَّبِيِّ ^۹: «مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَلْيَبْلُغْ فِي مَوْضِعٍ تَسْمَعُ نَفْسَهُ امْرَأَةً لَيْسَتْ لَهُ بِمَحْرَمٍ». (طوسی «شیخ الطائفة»، محمد بن حسن، امالی، ص ۶۸۷).

حالی که چنین رابطه‌ای معمولاً به ازدواج موفق نمی‌انجامد، یا اگر به ازدواج ختم شد، خطر جدایی در آن زیاد است. (جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۰: ۱۱۰-۱۱۶)

چت کردن اینترنتی و wechat نیز از وسایل امروزی ارتباط است که گاه به ارتباط عاطفی و جنسی دختران و پسران کشیده می‌شود و از این سو، از آسیب‌های پاک‌زیستی است.

۴. شوخی کردن و دست دادن با نامحرم

از آسیب‌های اخلاقی پاک‌زیستی و رذائل اخلاقی آن، شوخی کردن با نامحرم است. شوخی کردن فی‌نفسه برای شادی و سرور مؤمنان در جمع محارم و جنس موافق یا شوخی‌هایی که عموم مردم (زن و مرد) مخاطب هستند، مانعی ندارد، بلکه مطلوب است و در روایات بر شوخی کردن به ویژه در سفر، تأکید شده است. (کلینی، ۱۳۶۳: ۶۶۳) هم‌چنین دست دادن با دیگران ثواب زیادی دارد و به آن سفارش شده است. (همان: ۱۷۹)

اما شوخی کردن و دست دادن زن و مرد نامحرم در شرع مقدس ممنوع است و از آسیب‌های اخلاقی پاک‌زیستی است.

رسول خدا ﷺ فرمود:

«... و من صافح امرأة حراما جاء يوم القيامة مغلولاً ثم يؤمر به الى النار، ومن فاكهه امرأة لا يملكها حبس بكل كلمه كلمها في الدنيا ألف عام في النار...»؛ «... و هر کسی با زنی به حرام دست بدهد، روز قیامت در حالی که در غل و زنجیر است وارد شود، سپس دستور داده می‌شود به آتش وارد شود و هر کسی با زن نامحرمی شوخی کند برای هر کلمه‌ای که با او در دنیا سخن گفته، هزار سال در جهنم زندانی می‌شود...». (صدوق، ۱۳۶۸: ۲۸۳)

خضوع و نرمی در گفتار معمولی زنان - اگرچه شوخی نباشد - آن جا که سبب جلب و تحریک نامحرم می‌گردد، نیز از آسیب‌های پاک‌زیستی است و فرازی از آیات وحی بر آن دلالت دارد.^۱

۵. رقص مهیج و موسیقی مبتذل

رقص^۲ مهیج و موسیقی مبتذل در جشن‌ها و نیز در پارتی‌ها، از رذائل اخلاقی پاک‌زیستی است که بسیاری از جوانان به دام آن گرفتار شده‌اند. رابطه رقص و موسیقی با مسائل جنسی بر همگان آشکار است. بی‌تردید این دو، گاه در تحریک جنسی و شهوانی به نوع افراطی آن، نقش انکارناپذیری دارند. (گفتنی است دلیل ممنوعیت رقص و موسیقی (غنا) یا برخی از اقسام آن دو مانند رقص مهیج و موسیقی مبتذل، تنها ارتباط آن دو با مسائل جنسی نیست، بلکه دلایل ویژه خود را دارد که در جای خود بحث می‌شود).

۶. پوشش شهرت

پوشش شهرت، به پوششی گفته می‌شود که با شخصیت و شأنیت و زوی پوشنده آن، تنافی داشته باشد و در این باره تفاوتی نمی‌کند که جنس پوشش یا رنگ آن یا ویژگی‌ها و دوخت آن با شأنیت او در تنافی باشد. از این‌رو، هرگونه پوششی که در جامعه غیرمتعارف است و مردم با نگاه دیگری به آن می‌نگرند و به آن عکس‌العمل نشان می‌دهند

۱- (یا نِسَاءَ النَّبِيِّ لَسْتُنَّ كَأَحَدٍ مِنَ النِّسَاءِ إِنَّ أَقْرَبَ مَا تَخَضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَالْقَوْلُ الْغَدِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ وَقُلْنَ قَوْلًا مَعْرُوفًا)، «ای همسران پیامبر! شما همچون یکی از زنان معمولی نیستید اگر تقوا پیشه کنید؛ پس به گونه‌ای هوس‌انگیز سخن نگویند که بیمار دلان در شما طمع کنند و سخن شایسته بگویند.» (أحزاب/۳۲).

۲- رقص زن برای شوهرش و رقص زن در مجلس زنان با شرایط خاص، به فتوای جمعی از مراجع جایز است. کسانی که رقص را در برخی از موارد جایز می‌دانند، آن را اخلاقاً دور از شأن مؤمن می‌دانند. در باره رقص و موسیقی و اقسام جایز و غیرجایز آن دو، به کتب فقهی مراجعه شود.

و یا تمسخر می کنند، از دیدگاه دینی ممنوع است. پوشش دختر در لباس و تیپ‌های پسرانه و عکس آن، یعنی پوشش پسر در لباس و تیپ‌های دخترانه، ممنوع است.

این نوع پوشش از نظر فقها حرام است.^۱ هم‌چنین دانشمندان اخلاقی نیز در کتب اخلاقی روایی، آن را در ردیف رذائل اخلاقی قرار داده‌اند.^۲

۷. زنا

زنا یکی از خطرناک‌ترین رذائل اخلاقی پاک‌زیستی است. این کار ناپسند از محرمات فقهی اخلاقی اسلام است که در ادیان ابراهیمی نیز ممنوع است و در برابر ازدواج شرعی قرار دارد. زنا از گناهان کبیره است و کیفرهای سنگینی را در پی دارد، (دستغیب، ۱۳۶۱: ۱۷۳-۱۸۰) و در قرآن صریحاً از آن نهی شده است.^۳

۱- امام خمینی، سید روح الله، *تحریر الوسیله*، ج ۱، ص ۱۴۶؛ بهجت، آیه الله محمدتقی، توضیح المسائل، مسئله ۷۱۱، ص ۱۴۱.

۲- عن أبي عبد الله 7 قال: «كفى بالرجل خزيا أن يلبس ثوبا مشهرا أو يركب دابة مشهورة»، برای مرد این خواری بس که لباس شهرت بپوشد یا مرکبی چنین سوار شود؛ و عنه 7 قال: «إن الله يبغض شهرة اللباس»، خداوند شهرت لباس را دشمن می‌دارد. (طبرسی، حسن، مکارم الاخلاق، ص ۱۱۶).

۳- (وَلَا تَقْرَبُوا الزَّوْجَا إِنَّهُ كَانَ فَاحِشَةً وَسَاءَ سَبِيلًا)؛ «و نزدیک زنا نشوید، که کار بسیار زشت، و بد راهی است» (اسراء/۳۲)؛ (وَالَّذِينَ لَا يَدْعُونَ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ وَلَا يَقْتُلُونَ النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ وَلَا يَزْنُونَ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ يَلْقَ أَثَامًا)؛ «و کسانی که معبود دیگری را با خداوند نمی‌خوانند، و انسانی را که خداوند خورش را حرام شمرده، جز بحق نمی‌کشند و زنا نمی‌کنند و هرکس چنین کند، مجازات سختی خواهد دید. (فرقان/۶۸)؛ (يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِذَا جَاءَكَ الْمُؤْمِنَاتُ يَبَايَعْنَكَ عَلَى أَنْ لَا يَشْرِكْنَ بِاللَّهِ شَيْئًا وَلَا يَسْرِقْنَ وَلَا يَزْنِينَ وَلَا يَقْتُلْنَ أَوْلَادَهُنَّ وَلَا يَأْتِينَ بِبُهْتَانٍ يَفْتَرِينَهُ بَيْنَ أَيْدِيهِنَّ وَأَرْجُلِهِنَّ وَلَا يَعْصِينَكَ فِي مَعْرُوفٍ فَبَايِعْنَهُنَّ وَأَسْتَغْفِرْ لَهُنَّ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ)، ای پیامبر! هنگامی که زنان مؤمن نزد تو آیند و با تو بیعت کنند که چیزی را شریک خدا قرار ندهند، دزدی و زنا نکنند، فرزندان خود را نکشند، تهمت و افتراپی پیش دست و پای خود نیاورند و در هیچ کار شایسته‌ای مخالفت فرمان تو نکنند، با آنها بیعت کن و برای آنان از درگاه خداوند آمرزش بطلب که خداوند آمرزنده و مهربان است. (ممتحنه/۱۲).



برخی از جوانان مجرد در قالب تک‌زیستی با جنس مخالف رابطه دارند تا آن جا که تا سر حد زنا پیش می‌رود و برخی دیگر در قالب هم‌خانگی و زندگی زیر یک سقف و بدون ازدواج شرعی، اقدام به عمل ناپسند زنا می‌کنند تا آن جا که به تولید مثل فرزندان ناپاک کشیده می‌شود.^۱

شارع مقدس با تحذیر از زنا، جوانان مجرد را به ازدواج فراخوانده است.

۸. همجنس‌گرایی

همجنس‌گرایی از خطرناک‌ترین آسیب‌های پاک‌زیستی است و از اعمال زشت و ناپسندی است که از دیدگاه دینی به شدت از آن منع شده است. این عمل از گناهان کبیره (دستغیب، ۱۳۶۱: ۱۹۴-۱۹۹) محسوب و برای آن کیفرهای دنیوی و اخروی قرار داده شده است.^۲ از دیدگاه وحی، همجنس‌گرایی نمی‌تواند جایگزین ازدواج زن و مرد گردد که ارتباط طبیعی و آفرینش خداوندی است.^۳

۱- هم‌خانگی در غرب رواج دارد و آینده جوانان ما را تهدید می‌کند. در باره هم‌خانگی در غرب نک: گیدنز، آنتونی، *جامعه‌شناسی*، ترجمه: صبور، منوچهر، صص ۴۵۲ و ۴۵۳؛ و سامرویل، جنیفر، *فمینیسم و خانواده*، ترجمه: ارغوان، محمود، ص ۷.

۲- (وَلَوْ طَأَّ إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ أَتَأْتُونَ الْفَاحِشَةَ وَأَنْتُمْ تُبْصِرُونَ؛ أَلَيْسَ لَكُمْ لَتَاتُونَ الرِّجَالَ شَهْوَةً مِنْ دُونِ النِّسَاءِ بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ تَجْهَلُونَ؛ فَمَا كَانَ جَوَابَ قَوْمِهِ إِلَّا أَنْ قَالُوا أَخْرِجُوا آلَ لُوطٍ مِنْ قَرْيَتِكُمْ إِنَّهُمْ أَنْاسٌ يَبْتَطِهُرُونَ)؛ «و لوط را (به یاد آور) هنگامی که به قومش گفت: «آیا شما به سراغ کار بسیار زشتی می‌روید در حالی که (نتایج شوم آن را) می‌بینید؟ آیا شما بجای زنان، از روی شهوت به سراغ مردان می‌روید؟ شما قومی نادانید؛ آنها پاسخی جز این نداشتند که (به یکدیگر) گفتند: «خاندان لوط را از شهر و دیار خود بیرون کنید، که اینها افرادی پاکدامن هستند.» (نمل/۵۴ تا ۵۶)؛ در این باره نک: سوره‌های هود/۷۷ تا ۸۳، حجر/۵۸ تا ۷۴، شعراء/۱۶۰ تا ۱۷۴.

۳- (أَتَأْتُونَ الذُّكْرَانَ مِنَ الْعَالَمِينَ؛ وَتَذَرُونَ مَا خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ مِنْ أَنْتُمْ قَوْمٌ عَادُونَ)؛ «آیا در میان جهانیان، شما به سراغ جنس ذکور می‌روید (و همجنس‌بازی می‌کنید، آیا این زشت و ننگین نیست؟)؛ و همسرانی را که پروردگارتان برای شما آفریده است رها می‌کنید؟! (حقاً) شما قوم تجاوزگری هستید.» (الشعراء/۱۶۵ و ۱۶۶).

مع الاسف امروزه، همجنس گرایی در سطح وسیعی گسترش دارد،^۱ و در برخی از کشورها به آن رنگ قانونی بخشیده‌اند و در تقابل با خانواده قرار داده شده است.^۲

همجنس گرایی در مردان (= لواط) و در زنان (= سحاق و مساحقه)، از دیدگاه دینی ممنوع و از آن تحذیر شده است و تنها راه برای جوانان مجرد، ازدواج شرعی معرفی شده است و جایگزین دیگری ندارد. ازدواج به شیوه همجنس گرایی نیز نوعی مجردزیستی است؛ چراکه ازدواج شرعی و عرفی محسوب نمی‌شود و ثمرات ازدواج به شیوه آفرینش خداوندی، مانند آرامش فطری و تولید مثل و ... را ندارد.

۹. خودارضایی

خودارضایی (= استمناء) از اختلالات جنسی است که دامن بسیاری از جوانان را آلوده کرده است. از دیدگاه روایات، حرام (کلینی، ۱۳۶۳: ۵۴۰) و از گناهان کبیره (دستغیب، ۱۳۶۱: ۳۱۱-۳۱۵) و از رذائل اخلاقی است. از سوی دیگر، پیامدهای جسمانی و روانی زیادی را به دنبال دارد. (بشیری، ۱۳۸۸: ۲۱۳-۲۱۹) ارتکاب این عمل از سوی پسران بیشتر از دختران است.

خودارضایی نوعی اختلال روانی است که افراد مبتلا به آن قصد دارند نیاز جنسی خود را از این طریق تأمین کنند، (همان: ۲۱۳) غافل از این که فرجام کار آنان، گناه و بیماری‌های جسمی و روانی است.

۱- درباره گسترش هم‌جنس‌گرایی نک: الکردستانی، مثنی امین، فمینیسم: جنبش‌های آزادی‌بخش زنان، ترجمه: سلطانی، عبدالظاهر، صص ۱۴۷ تا ۱۵۱.

۲- درباره رویارویی هم‌جنس‌گرایی با خانواده نک: گاردنر، ویلیام، جنگ علیه خانواده، برگردان و تلخیص: محمدی، معصومه، صص ۲۳۱ تا ۲۴۸.

دیدگاه دینی نیز از این عمل تحذیر کرده است و تنها راه ارضای نیاز جنسی را ازدواج شرعی می‌داند.

۱۰. تأخیر در ازدواج و مجردزیستی

از آسیب‌های پاک‌زیستی تأخیر در ازدواج و مجردزیستن تا پایان زندگی است. تأخیر در ازدواج یا ازدواج نکردن، انسان را در آستانه گناه قرار می‌دهد و زمینه را برای تسلط هواهای نفسانی و وساوس شیطانی آماده می‌سازد.

از دیدگاه دینی تنها راه مشروع اشباع غریزه جنسی ازدواج است و همه راه‌های دیگر به گناه ختم می‌گردد. تأخیر در ازدواج و مجردزیستن در قالب تک‌زیستی (همراه با ارتباط جنسی) و هم‌خانگی و ارتباط‌های همجنس‌گرایانه (نیز خودارضایی) همه از مصادیق فساد و اشباع غریزه جنسی از راه نامشروع و گناه به شمار می‌آیند.

افزون بر این، زمینه آلوده شدن به گناهانی چون نظر کردن به نامحرم، ارتباط‌های عاطفی با جنس مخالف، دیدن عکس‌های تحریک‌کننده، تماشای فیلم‌های مبتذل، ارتباط‌های مجازی با جنس مخالف از طریق چت و وب‌گردی‌ها در فضای سکس، در افراد مجرد بیشتر وجود دارد.

تأخیر در ازدواج و مجردزیستن برای کسانی که به خود اطمینان دارند و در آستانه گناه قرار نمی‌گیرند، فضیلت نیست. از دیدگاه دینی ازدواج برای همگان فضیلت است.^۱

۱- عده من أصحابنا، عن أحمد بن أبي عبدالله، عن عبد الصمد بن بشير قال: «دخلت امرأة علي أبي عبدالله 7 فقالت: أصلحك الله إني امرأة متبتلة فقال: وما التبتل عندك؟ قالت: لا أتزوج، قال: ولم؟ قالت: ألتبس بذلك الفضل، فقال: انصرفي فلو كان ذلك فضلا لكانت فاطمة 3 أحق به منك إنه ليس أحد يسبقها إلى الفضل»، زنی بر امام صادق 7 وارد شد و گفت: خداوند تو را از شایستگان قرار دهد، من زنی متبتله هستم، امام فرمود: تبتل در نزد تو چیست؟ گفت: ازدواج نمی‌کنم، امام فرمود: چرا؟ زن گفت: از این کار کسب فضیلت می‌کنم. امام فرمود، بازگرد، اگر در ازدواج نکردن فضیلتی بود فاطمه 3 به آن سزاوارتر بود، به درستی که کسی در فضیلت بر او سبقت نگرفت. (کلینی، محمدبن یعقوب، الکافی، ج ۵، ص ۵۰۹)

در پایان یادآور می‌شویم فضائل و رذائل پاک‌زیستی به جوانان مجرد اختصاص ندارد و همگان را شامل می‌گردد؛ ولی از آن جا که خطر آلودگی جنسی در جوانان مجرد بیشتر است، مخاطب اصلی مقاله جوانان مجرد هستند.

نتیجه‌گیری

پاک‌زیستی، فرمان خدا و خواست اوست، نیز عامل رستگاری و رسیدن به بهشت، امنیت و آرامش و آموزش و پاداش بزرگ است. اینها همه، بر اهمیت پاک‌زیستی و ارزش اخلاقی و معنوی آن دلالت دارد. اهمیت پاک‌زیستی بر شناخت و به‌کار بستن ویژگی‌های اخلاقی آن تأکید می‌کند. شناخت ویژگی‌های اخلاقی پاک‌زیستی در قالب فضائلی چون حیا، غیرت، حجاب و ازدواج به‌هنگام و در قالب رذائلی مانند نگاه آلوده، خلوت زن و مرد نامحرم، رابطهٔ پسر و دختر (دوستی پسر و دختر)، شوخی کردن و دست دادن با نامحرم، رقص مهیج و موسیقی مبتذل، پوشش شهرت، زنا، همجنس‌گرایی، خودارضایی و تأخیر در ازدواج و به‌کار بستن آنها در رسیدن به سعادت و کمال انسانی که همان قرب به خداوند است، اجتناب‌ناپذیر است.



منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه آیت الله ناصر مکارم شیرازی.
۲. نهج البلاغه.
۳. ابن فارس، أبوالحسین أحمد، ۱۴۰۴ق، معجم مقاییس اللغة، بی چا، قم: مکتبه الاعلام الاسلامی.
۴. ابن مسکویه، احمد بن محمد، ۱۳۸۱ش، تهذیب الاخلاق، با ترجمه و توضیح علی اصغر حلبی، چاپ اول، تهران: اساطیر.
۵. احمدپور، احمد و دیگران، ۱۳۸۵ش، کتابشناخت اخلاق اسلامی، چاپ اول، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۶. امام خمینی، سیدروح الله، ۱۳۹۰ق، تحریر الوسیله، چاپ دوم، قم: مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان.
۷. ایزوتسو، توشی هیکو، ۱۳۸۸ش، خدا و انسان در قرآن، ترجمه احمد آرام، چاپ ششم، شرکت سهامی انتشار.
۸. بشیری، ابوالقاسم، ۱۳۸۸ش، اختلالات رفتاری، چاپ سوم، قم: دفتر نشر معارف.
۹. بهجت، آیه الله محمدتقی، ۱۳۸۰ش، توضیح المسائل، چاپ بیست و هشتم، قم: شفق.
۱۰. پسندیده، عباس، ۱۳۸۳ش، پژوهشی در فرهنگ حیا، چاپ اول، قم: سازمان چاپ و نشر دار الحدیث.
۱۱. جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۱ش، اخلاق خانواده، به کوشش زهرا آیت اللهی، چاپ اول، قم: دفتر نشر معارف.
۱۲. جوهری، اسماعیل بن حماد، ۱۴۰۷ق، الصحاح، چاپ چهارم، بیروت: دار العلم للملایین.
۱۳. حرانی، ابن شعبه، ۱۳۶۳ش، تحف العقول، چاپ دوم، قم: جامعه مدرسین.



۱۴. دستغیب، سید عبدالحسین، ۱۳۶۱ش، گناهان کبیره، چاپ اول، تهران: کانون اندیشه‌های اسلامی.
۱۵. دیلمی، احمد، آذربایجان، مسعود، ۱۳۸۹ش، اخلاق اسلامی، چاپ شصت و پنجم، قم: دفتر نشر معارف.
۱۶. سامرویل، جنیفر، ۱۳۸۸ش، فمینیسم و خانواده، ترجمه محمود ارغوان، چاپ اول، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
۱۷. شریفی، احمدحسین، ۱۳۹۰ش، آیین زندگی، چاپ هشتم و دوم، قم: دفتر نشر معارف.
۱۸. شعیری، محمد بن محمد، بی‌تا، جامع الأخبار، چاپ اول، نجف: مطبعه حیدریه.
۱۹. صدوق، محمد بن علی بن بابویه، ۱۴۰۳ق، الخصال، قم: جامعه مدرسین.
۲۰. صدوق، محمد بن علی بن بابویه، ۱۳۶۸ش، ثواب الاعمال، چاپ دوم، قم: منشورات شریف رضی.
۲۱. صدوق، محمد بن علی بن بابویه، ۱۴۰۴ق، من لا یحضره الفقیه، چاپ دوم، قم: جامعه مدرسین.
۲۲. طباطبایی حکیم، سید محسن، ۱۳۷۴ش، مستمسک العروة الوثقی، چاپ اول، قم: دار التفسیر.
۲۳. طباطبایی یزدی، سید محمد کاظم، ۱۳۷۰ش، العروة الوثقی، چاپ دوم، قم: اسماعیلیان.
۲۴. طباطبایی، سید محمد حسین، ۱۴۱۷ق، المیزان فی تفسیر القرآن، چاپ پنجم، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۲۵. طبرسی، حسن، ۱۳۷۰ش، مکارم الاخلاق، چاپ چهارم، قم: شریف رضی.
۲۶. طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۷۲ش، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، چاپ سوم، تهران: انتشارات ناصر خسرو.



۲۷. طوسی (شیخ الطائفة)، محمد بن حسن، ۱۴۱۴ق، *مالی*، چاپ اول، قم: مؤسسه البعثة.
۲۸. عمید، حسن، ۱۳۸۴ش، *فرهنگ فارسی عمید*، تهران: انتشارات امیر کبیر.
۲۹. فراهیدی، خلیل بن احمد، ۱۴۰۹ق، *کتاب العین*، چاپ دوم، قم: دارالهجره.
۳۰. قمی مشهدی، محمد بن محمد رضا، ۱۳۶۸ش، *تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب*، چاپ: اول، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۳۱. کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۳۶۳ش، *الکافی*، چاپ پنجم، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
۳۲. گاردنر، ویلیام، ۱۳۸۶ش، *جنگ علیه خانواده*، برگردان و تلخیص معصومه محمدی، چاپ اول، قم: دفتر مطالعات و تحقیقات زنان.
۳۳. گیدنز، آنتونی، ۱۳۸۹ش، *جامعه‌شناسی*، ترجمه منوچهر صبوری، چاپ بیست و پنجم، تهران: نشر نی.
۳۴. مارک لاسر، ۱۳۸۲ش، «هرزه‌نگاری در اینترنت»، در: *ماهنامه سیاحت غرب*، شماره ۹، قم: مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما.
۳۵. مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۳ق، *بحار الأنوار*، چاپ دوم، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۳۶. منسوب به امام صادق ۱۴۰۰۷ق، *مصباح الشریعة*، چاپ اول، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
۳۷. نراقی، ملا احمد، ۱۳۶۲ش، *معراج السعادة*، چاپ دوم، تهران: انتشارات رشیدی.
۳۸. نراقی، ملا محمد مهدی، بی‌تا، *جامع السعادات*، نجف اشرف: دارالنعمان للطباعة و النشر.

۳۹. نوری طبرسی، میرزا حسین، ۱۴۰۸ق، مستدرک الوسائل، چاپ دوم، بیروت: مؤسسه آل‌البیت لایحیاء التراث.

۴۰. هادی، اصغر، ۱۳۹۱ش، «معناشناسی عبودیت در قرآن»، پایان‌نامه سطح ۴، قم: حوزه علمیة قم.

۴۱. هاشمی رفسنجانی، علی‌اکبر و محققان، ۱۳۸۷ش، فرهنگ قرآن، چاپ اول، قم: بوستان کتاب.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی